

بسم الله الرحمن الرحيم

۹۸, ۰۷, ۰۹-۰۰۸

تفاوت فرمایش امام با شاگردشان آیت الله فاضل

عرض کردیم که یک تفاوتی در بیان امام ره و بیان آیت الله فاضل وجود دارد که بنظر می رسد بیان امام ره از جهت صناعت بحث اقوی و اتمّ است. و آن تفاوت این است که مرحوم آیت الله فاضل ابتدا مساله طلب در نهی را روشن کردند و می فرمایند که آیا در نهی طلب داریم یا اینکه طلب نداریم؟

و بعد بیشتر بیان خواهیم کرد که مثلا نهی زجر است و طلب نیست و همچنین اینکه امر بعث است و طلب نیست و بعد می فرماید اگر از آخوند قبول کنیم که در نهی طلب هست سوال می کنیم که مطلوب چیست؟ بعد وارد بحث ترک و عدم و کف و... شده اند.

مقایسه فرمایش امام ره با شاگردشان

اما امام ره در مناهج این طور ورود نکرده اند ورودش همین ورودی است که خود ما داشتیم از ابتداء تکلیف مطلوب را در نهی روشن می کند چون آخوند و عده ایی دیگر می فرمایند که مطلوب ترک است و عده ایی هم می گویند که مطلوب کف است و لذا وارد این بحث شده اند.

چرا این نوع بیان روشن تر است؟

بخاطر اینکه اگر ما تکلیف عدم را روشن کردیم که عدم هیچگونه نقشی در نهی ندارد و این نبود نقش عدم در نهی را تقسیم کردیم به نقش ثبوتی عدم و نبود نقش اثباتی عدم، اگر من نشان دادم که :

اولا در نهی نه ثبوتاً و نه اثباتاً، در مفاد نهی، عدمی (نه مضاف و نه مطلق) در کار نیست.

ثانیا وقتی روشن شد بهتر اشکال بیان آخوند فهمیده می شود چون اشکال بیان آخوند بر فارق بین امر و نهی بر اساس طلب متوقف بر همین یک جمله است که طلب در امر به وجود خورده و در نهی به عدم (ثبوتاً یا اثباتاً) خورده است اما اگر من نشان دادم که عدم نمی تواند اصلاً مبنا باشد ثبوتاً به دلایلی که بحث کردیم نمی تواند و اثباتاً هم به دلایلی که می خواهیم بگوئیم آن موقع برمی گردد و معلوم می کند که ما داریم کلاً با وجود کار می کنیم آن وقت مجبوریم فارق بین امر و نهی را اثباتاً و ثبوتاً یک جور دیگر حل کنیم لذا دیگر سر طلب نمی توانیم متمرکز شویم لذا رویه امام ره در مناهج هم عقلاً و هم عقلاً منطقی تر و پخته تر است .

پس امام ره مستقیماً وارد این بحث شده اند که تکلیف عدم، ثبوتاً و اثباتاً

روشن شد آن وقت تکلیف حقیقت نهی هم روشن می شود.

این سیر فرمایش امام ره است و یک دقتی در آن هست که بر اساس این دقت فرمایش بعضی تلامذه آخوند غلط در می آید. (مثل فرمایش محقق تائینی و مرحوم مظفر)

بنابراین سیر عبارت امام ره ، همان طور که عرض کردم همین است: **[امتناع ذلک ثبوتا و مخالفته لظواهر اثباتا]** اول تکلیف ثبوت عدم معلوم شد و امام ره نشان دادند که با عدم ثبوتا نمی شود کار کرد و ما همیشه با وجود کار می کنیم اگر با وجود کار کردیم و نشان دادیم که وجود مصلحت دارد بعد نتیجه می گیریم که در امر باید با وجود کار کرد وجودی که دارای مصلحت است و اگر با وجود کار کردم و نشان دادم که وجود است که مفسده دارد نتیجه می گیریم که در نهی باید با وجود که مفسده دارد کار کرد که در ادامه خواهیم گفت که بعث الی الوجود و زجر عن الوجود. دیگر نمی توانم بر سر طلب بایستم چون فرض بر این است که هر دو وجود است .

ایشان مسأله وجود را که حل می کند نتیجه خوبی می گیرد که بله گاهی وقتها که وجود مبغوض است و مفسده دارد گاهی مبغوضیت وجود را بالعرض والمجاز از آن

تعبیر به محبوبیت عدم می کنند. از باب مجاز عقلی می گوییم اینجا که وجود مبخوض بود یعنی عدم محبوب است .

خدا رحمت کند مرحوم علامه را که ایشان هم در بدایه همین طور کار کردند شهید مطهری هم تحلیل های زیبایی دارند.

پس بنابر فرمایش امام ره که چون ما با وجود در امر و نهی کار می کنیم نمی توانیم بگوییم که امر و نهی طلب است چون اگر طلب باشند هر دو طلب وجود می شوند که با این شکل صحیح نیست. این یک مطلب بود که عرض شد.

نکته ای در فرمایش امام

دوم اینکه: اگر بعضی وقتها می رویم سراغ عدم ، از باب بالعرض والمجاز است بعد امام ره تعبیر دیگری دارند که بالعدم کار می کنم بعد از تصورش به حمل اولی، چون به حمل اولی باز عدم می شود وجود ، یعنی عدم را باید تصور کنم تا با آن کار کنم .

اشکال کلام مظفر

نکته سوم اینکه: نتیجه این می شود که فرمایش مرحوم مظفر خیلی دچار اشکال می شود مرحوم مظفر می فرماید که نهی زجر عن الوجود است چون در نهی طلب نمی ماند و زجر است کما اینکه امر بعث الی

الوجود است بعد فرموده لازمه عقلی زجر
عن الوجود مطلوب بودن عدم است.

اینها می گویند این گونه نیست شما هیچ
وقت عدم را نمی خواهید و عدم لازمه وجود
نیست این حرف صحیح نیست. اگر ثبوت برای
شما حل شود می بینید که کلام محقق
نائینی و شهید صدر و محقق خویی و مظفر
اشتباه است و ریشه اش در همین است که
عرض کردم شما دیگر نمی توانید بگوئید
لازمه ی زجر عن الوجود ، مطلوب بودن عدم
است اگر منظور از لازمه این است که من
بالعرض والمجاز را بجای عدم می گذارم
حرفی نیست یعنی مجاز عقلی مرتکب می شوم
نه یک لزوم عقلی از باب لازم عقلی این
حیث ثبوتی فرمایش امام ره بود.

حیث اثباتی فرمایش امام ره

واما حیث اثباتی فرمایش امام ره : (هیچ
کدوم از اینهایی که عرض کردم خدمت شما
در بیان آیت الله فاضل نیست و این منظومه
فرمایش حضرت امام ره بهم خورده است کما
اینکه این نکته در فرمایش استاد ما
آقای فاضل نیست که باید به حیث اثباتی
مساله می پرداخت چرا ؟ چون امام ره می
خواهد بفرماید اگر کسی بحث های اثباتی
را کنار گذاشت بگوئید که شما در فلسفه
درست می کنید که عدم هیچ است، عدم مضاف
بنابر اصاله الوجود و اینکه وجود منشاء
اثر است عدم هیچ است ، چشم به عدم مضاف

نداریم اینها همه اش درست چه اشکالی دارد که ما با یک بحث عقلائی و عرفی و در فضای عقلائی و عرفی برای عدم مضاف حظی از وجود قائل بشویم و اگر در فضای عقلائی قائل به این شدیم که عدم مضاف حظی از وجود دارد نمی شود با این که حظی از وجود دارد کار کنیم ؟ امام ره می فرماید بسیار خوب اگر با این کار می کنند باید در ادله ردی از این پیدا شود (امام ره می فرماید شما وقتی می خواهید وارد اوامر بشوید یک هیأت دارید و یک ماده ، هیأت فرض کنید طلب است و ماده ماهیت است بعد مرحوم آخوند فرمودند این ماهیت که منشاء اثر عند العقلاء نیست پس منظور ایجاد ماهیت است چون اگر وجود ماهیت باشد می شود تحصیل حاصل ولی اگر ایجاد ماهیت باشد درست می شود آخوند آخرش این طور حل کردند که شما وقتی صلّ می گوئید یک هیأت دارید و یک ماده دارید این هیأت فرض کنید طلب یا بعث است و ماده هم ماهیت است آخوند نشان داد که ماهیت نه لایثمن و لا یغنی من جوع ، ماهیت آب که من حیث هی سیر و رفع عطش نمی کند آنکه سیر و رفع عطش می کند واقعیت خارجی است بعد آخوند می فرماید اگر طلب بخواهد به ماهیت بخورد تحصیل حاصل است معنی ندارد که وجود را وجود بدهد باید بگوید که ایجادش کند پس هیأت

آمد ایجاد طبیعی را از ما خواست و طلب
ایجاد شد .

اشکال امام به آخوند

امام ره می فرماید جناب آخوند شما در
نهی فرمودید که نهی طلب ترک است دال
علی الترتک در هیأت را به ما نشان بدهید
بالاخره این لاتفعل مثل افعل است اگر مثل
هم هستند شما افعل را تحلیل کردید که
له هیأت و ماده هیأتش را قرار دادید
طلب و ماده آن را ماهیت قرار دادید و
فرمودید که ماهیت هیچ کاره است و ایجاد
ماهیت مراد است، وجود ماهیت غلط است و
سراغ ایجاد ماهیت بردید. این سیر آخوند
بود.

امر طلب ایجاد ماهیت شد، امام ره می
فرماید اگر شما یک چیز دال بر ترک و
عدم در هیات لا تفعل دارید می دانیم که
عقلاء با ترک کار می کنند.

اما وقتی تحلیلش می کنید می بینید یک
هیأت است و یک ماده است و ماده هم
بنابر همان مبنای خود شما اگر با آن
عقلایی برخوردار کنیم نمی توانیم با ماهیت
برخورد کنیم بما اینکه مفهوم است باید
با واقعیت خارجی کار کنیم . که ما عرض
کردیم که مرحوم آخوند دارد عقلایی کار
می کند و اصرار کرد که این بحث ربطی به

اصالة الوجود ندارد وما هم همین را تقویت کردیم و حق همین است .

امام ره می فرماید پس عقلاء با یک واقعیت خارجی کار کردند و هیات افعال هم که در واقع سر همین واقعیت خارجی رفته است که شما به آن ایجاد می گوئید و هم چنین هیأت لا تفعل هم سر همین واقعیت خارجی رفته است که شما به آن ترک می گوئید.

ایشان می فرماید راهش این است که شما بگوئید عقلا ترک وسط می آید یعنی همان اشتباهی که مدرسه ی محقق نائینی مرتکبش شده است یعنی معلوم است که محقق نائینی هنوز خودش را از بحث عدم نجات نداده است و بعد می فرماید شما دال بر ترک در هیات لا تفعل ندارید دال علی الایجاد عرفا پیدا شد بخاطر این که با واقعیت خارجی کار کردیم در متعلق اوامر ثابت کردیم که مساله عرفی است و مرحوم آخوند هم عرفی دیده است .

نکته پایانی فرمایش امام

پس نکته پایانی فرمایش امام ره که بسیار مهم و کلیدی است این است که امام ره می خواهد بفرماید که ما نه می توانیم با عدم ثبوتاً کار کنیم و نه در ادله اثباتی اثری از عدم وجود دارد در اثبات یک هیأت و یک واقعیت است (چه امر

و چه نهی) اگر هیأت سر یک واقعیتی آمد و تو هیأت امر همین اتفاق افتاد و در هیأت نهی هم همین اتفاق افتاد چون هیأت امر و نهی از جهت ماده فرقی با همدیگر ندارند آن وقت شما اثباتا هم گیر دارید که با عدم کار کنید بعد نتیجه می گیرند که آنوقت بگوئید که هیأت و امر و نهی دیگر طلب نیستند چون اگر طلب باشند طلب واقعیت هستند و طلب عدم هم دال اثباتی نداریم لازمه عقلی هم باطل است. که عرض کردیم اشتباه مرحوم مظفر همین است فقط اینجا یک سوال مطرح است نسبت به امام ره که دعوا بر سر ماده نهی بود یا بر سر هیأت نهی ؟

بحث ما سر ماده نهی بود شما ما را تحویل دادید به اینکه اثباتا در هیأت لا تفعل لنا هیأت و ماده ، ماده فلان است و هیأت هم فلان است سر هیأت حرفی نداریم ولی بحث ما سر ماده نهی بود.

ببینید دوباره معلوم شد آن مطلب مهمی که ما به آن اصرار می کردیم یک تئمه توضیحی سر این هیأت نهی و ماده نهی خدمت شما عرض کنم تا اصولی بودن ماده نهی را تاکید کند و این رابطه وثیق را چون امام ره در امر حل کرده دیگر باز نمی کنیم و الا اینکه واضح است به امام ره گفته شود که دعوا بر سر مدلول ماده نهی است نه اینکه بر سر صیغه نهی که شما

راحت بگوئید نهی ماده اش این است و
صیغه اش این نیست، مرحوم آخوند دال علی
الترک کجاست .